مسئله: اخراج افراد به سبب علّت

۱. از زمره مسائلی که بر بحث «تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص» متفرع شده است، مسئله‌ای است که مرحوم بروجردی مطرح کرده است.

۲. مسئله آن است که اگر گفته شد «اکرم العلما» و بعد با دلیل منفصل گفته شد: «لا تکرم زیداً و عمراً و بکراً لانهم فساق»، در این صورت اگر شک کردیم که آیا خالد که عالم است، فاسق هم هست یا نه.

اگر بگوییم آنچه تخصیص خورده است، «عنوان فاسق» است، در این صورت «شک در اکرام خالد»، «شبهه مصداقیه خاص» است.

ولی اگر بگوییم آنچه تخصیص خورده است، «زید و عمرو و بکر» است، در این صورت «شک در اکرام خالد»، «شک در تخصیص زائد» است. و لذا می‌توان اصل عدم تخصیص زائد را جاری کرد و حکم به وجوب اکرام خالد کرد.

«لو کان المخصِّص ذوات الأفراد، لکن بحیثیّة تعلیلیّة، کما لو ورد «أکرم العلماء»، ثمّ ورد «لا تکرم زیداً و عمراً و بکراً؛ لأنّهم فُسّاق»، فهل یکون کالتخصیص الزائد فی مورد الشکّ فی فسق مصداقٍ، و یجوز التمسّک بالعامّ، أو کالمخصّص اللفظی المعنون بعنوان، مثل «لا تکرم الفسّاق منهم»، فلا یجوز التمسّک به؟

لا یبعد الجواز؛ لأنّ الفرد المشکوک فیه لا یکون من قبیل الشبهة المصداقیّة فرضاً، بل من قبیل الشکّ فی التخصیص الزائد؛ و إن کان منشؤه الشکّ فی سریان العلّة فی المشکوک فیه»[1]

۳. حضرت امام در مناهج، در تقریر سخن مرحوم بروجردی، فرض شبهه را به صراحت در جایی می دانند که مخصص منفصل باشد (در حالیکه عبارت لمحات مطلق است و در آن تعبیر منفصل وجود ندارد.)

«لو ورد: «أکرم کلّ عالم»، ثمّ ورد– منفصلا–: «لا تکرم زیدا و عمراً و بکرا، لأنّهم فسّاق» فربّما یقال بجواز التمسّک بالعامّ فی مورد الشکّ فی مصداق الفاسق، فإنّه من قبیل التخصیص الزائد، لا الشبهة المصداقیّة للمخصّص.»[2]

٤. حضرت امام بر مرحوم بروجردی اشکال می‌کند:

«و فیه نظر، لأنّ الظاهر من إخراج أفراد بجهة تعلیلیّة أنّ المخرج هو العنوان، لا الأشخاص برأسها، و معه تکون الشبهة فی مصداق المخصّص. و کذا الحال فی اللّبّیّات.»[3]

---

۱ . لمحات الاصول، ص۳۲۴

۲ . مناهج الوصول، ج۲، ص۲۵۵

۳ . همان

۵. توجه شود که مراد امام از «جهت تعلیلیه»، حیثیت تعلیلیه نیست بلکه مراد آن است که حکم دائر مدار علت است (و در حقیقت علت، ملاک تخصیص است)

و لذا تعبیر «حیثیت تعلیلیة» در لمحات به معنای مصطلح نیست.

٦. توجه شود که چنانکه خواندیم حضرت امام، سخن مرحوم بروجردی را چنین تصویر کرده‌اند که: «یا فاسق علت است و شبهه مصداقیه خاص می‌شود و یا شک در تخصیص زائد است (یعنی قطعاً فاسق علت نیست)»

در حالیکه مطابق تقریر دیگری که از مرحوم بروجردی خواهیم خواند، ایشان بحث را چنین تصویر کرده است که «فاسق علّت است و در مورد خالد شبهه مصداقیه خاص حاصل است ولی یا به خاطر سیره عقلایی، در این شبهه مصداقیه می‌توان به عام تمسک کرد و یا در این شبهه مصداقیه هم نمی‌توان به عام رجوع کرد.

۷. مطابق تقریر دیگری که از کلام مرحوم بروجردی در دست است، ایشان می‌خواهد بگوید، عرف در چنین مواردی «علت» را مثل مخصص لبی می‌داند و به همین جهت سیره عقلا بر تمسک به عام در چنین مواردی است.

«اذا قال : أکرم العلماء، ثم قال : لا تکرم زیدا، فانه عدو لی ، و استفدنا من التعلیل، العموم، فهل هو کالمخصص اللفظی أو یکون وزانه وزان المخصص اللبی ؟ فیه و جهان ; و لعل السیرة هنا علی جواز التمسک کالعقلی»[1]

ما می‌گوییم:

۱. توجه شود که مراد آن نیست که در «علیت» شک داشته باشیم بلکه فرض آن است که علیت فسق – مثلاً – مسلم است

۲. چون گفته‌ایم که در تمام شبهات خاص، می‌توان به عام تمسک کرد، فرقی بین اینکه بگوییم، بحث از صغریات «تمسک به عام در شبهات خاص» است و یا بگوییم از صغریات «شک در تخصیص زائد» است، وجود ندارد.

۱ . نهایة الاصول، ص۳۳۵